



مردم درحال زندگی می کنند، آنها برای آینده خود برنامه ریزی می کنند و نگران آن هستند. مطالعه تاریخ گذشته، بسیار مفید است و سپردر تاریخ چراغ روشنی برای رقم زدن آینده ای درخشان است.

خانۀ مشروطیت اصفهان در محور دولتی‌خانه صفوی، ضلع شرقی میدان نقش جهان یکی از خانه های قدیمی دوران قاجاریه که دیوارهای بلند، پنجره های چوبی با شیشه های رنگی، حیاط های تودرتو، باغچه های وسیع و درختان درهم تنیده با صدای شرشر فواره های آب و تاثیر مستقیم آن بر روح افراد انکارناپذیر است. تاثیرگذاری ساخت این خانه بر روحیه ساکنان آن هم بخشی از قیام بزرگ مشروطیت اصفهان است، خانه‌ای که در حال حاضر به عنوان موزه قرار دارد و متعلق به بزرگ مرد تاریخ، شهید آیت الله حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی است مردی که روزگاری لرزه بر اندام دشمنانش می انداخت و بنیانگذار مشروطیت

بود.

بر همگان واضح است که کشورها و تمدن ها به اعتلا نمی‌رسند مگر با تامل و عبرت درگذشته خود. چگونه تاریخ، تفکر، تمدن را به مخاطب منتقل کردن از اساسی ترین سوالات و دغدغه خانه موزه مشروطیت اصفهان است. بازدید از خانه مشروطیت فرصت مناسبی برای کسب اطلاعات گذشته فراهم می‌سازد.
قدم زدن از اتاق های تودرتو که پیامشان این است: استبداد نه، مشروطیت آری و هم نشینی مسالمت آمیز-تاریخ و معماری همگان را به دیدن این خانه موزه دعوت می کند. سعی شده با شیوه های جدید و کارآمد بهترین قالب انتقال مفاهیم برای آشنایی بیشتر

آشنایی با خانه مشروطه اصفهان

خانه مشروطیت در کجای نصف جهان واقع شده‌است؟

بازدیدکنندگان با تاریخ پر فراز و نشیب مردم با مبارزات درمقابل استعمارگران صورت بگیرد.

محتوای قابل ارائه و برنامه ریزی اجرایی در این موزه، با توجه به ترکیب سنی و پایه تحصیلی متفاوت است و ادبیات متناسب هر سن عنوان می شود.

این مجموعه نیز براساس اردوهای دانش آموزی، دانشجویی کارهای متنوعی را برنامه ریزی کرده است. دانش آموزان در این خانه موزه، تاریخ را نزدیک لمس می کنند:

درونی کردن انگیزه مطالعه ولذت یادگیری برای دانش آموزان به گونه ای است که لذت یادگیری نیز مانند دیگر لذت‌زیندگی برایشان خوشایند باشد.

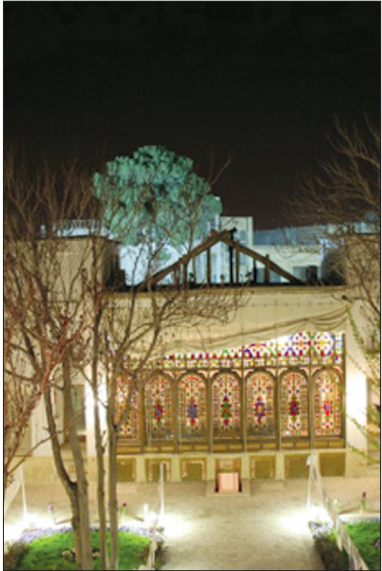
آشنایی با قهرمانان و ستاره های تاریخ ایران در

قالب تدوین و اجرای طرح هفت قهرمان – هفت قصه.

تدبیر در احوال گذشتگان و ملموس شدن مفاهیم ارزشمندی مثل خودباوری، هویت ملی در قالب برگزاری کارگاه های تخصصی ویژه دانش آموزان و دانشجویان به عنوان ابزاری سازنده و مفید در ارائه سه کلید واژه تاریخ، تفکر و تمدن.

شیرین و جذاب کردن درس تاریخ، مطالعات اجتماعی با بهره گیری از جاذبه های فضای تاریخی.

برگزاری برنامه های متنوع هنری – نمایشی؛ مانند مسابقه عکاسی با عنوان سایه نور و اجرای برنامه تئاتر تاریخی دود پبیاد با مناسبت تاریخ صدور فتوای



تحریم تنباکو.

برگزاری نشست های تخصصی کودک و میراث گذشتگان همراه با تهیه و چاپ کتاب، برگزاری کارگاه های نقاشی و تاریخ، کارگاه اسطوره ها و سفرهای قهرمانی، مسابقه در قالب نقشه گنج تاریخی.

و ...

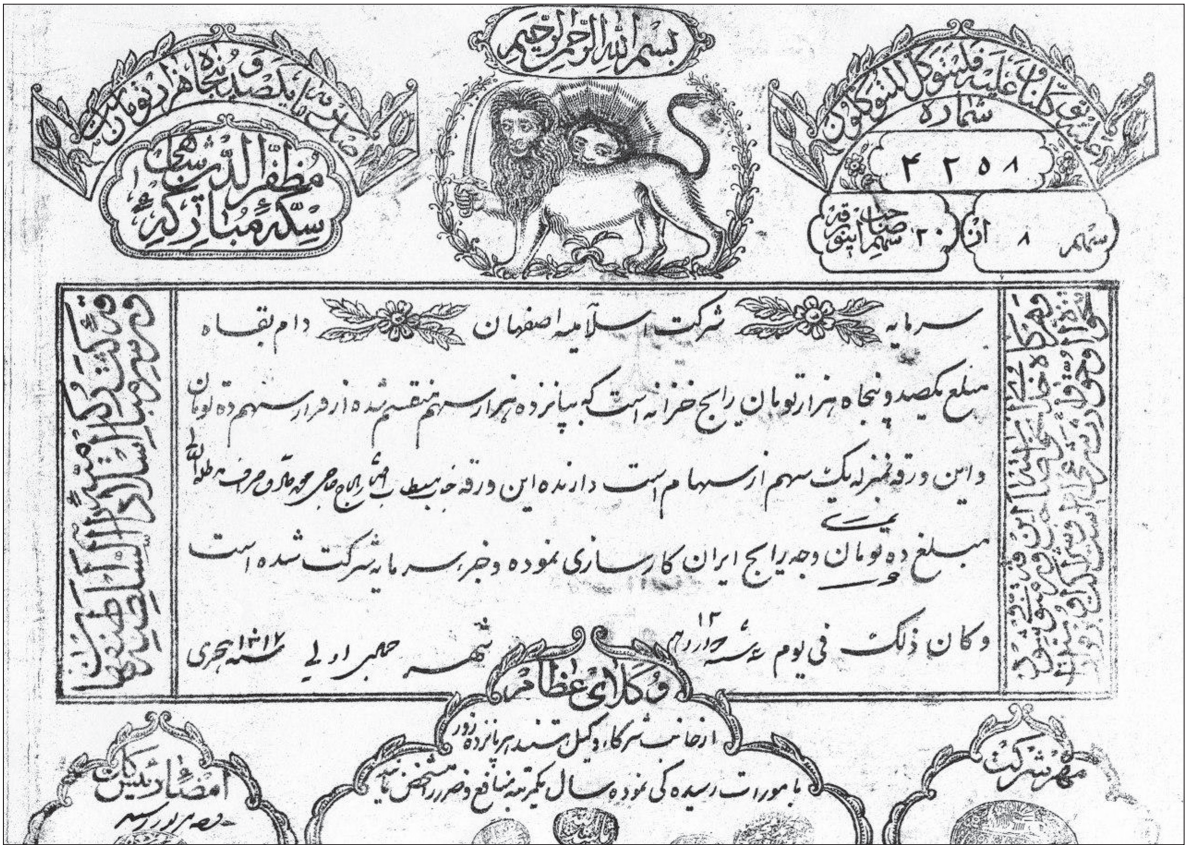
خانه موزه مشروطیت اصفهان پژوهشگاه تاریخ و سیاست توانسته با انجام فعالیت های گسترده در حوزه کودک و تاریخ، موضوع کودک و نوجوان را برای مجموعه تبدیل به یک ضرورت کند.

در پایان، در این خانه قدیمی تاریخ به زیبایی در حرکت است و همه چیز برایت حرف دارد. 📌

پرسش از تاریخ

عدل پیغامی در خانه مشروطه اصفهان مطرح کرد؛

بی‌تاریخی و جدایی اقتصاد از اسلام!



در بیانیه‌ای که از حاج آقا نورالله صادر شده بود عنوان را آورده‌اند: «اسلام در خطر است» و آقای دکتر نجفی فرمودند که ما می‌خواستیم مشابه این را امروز به کسبیه و اصناف بدھیم، احساس می‌کردیم که اصلا نمی‌پذیرند. حتی این لفظ را نمی‌توانیم به کار ببریم که «اسلام در خطر است.»

ما اگر در حوزه فرهنگ بگوییم «اسلام در خطر است»، به راحتی مخاطبان و متشرعین از ما می‌پذیرند؟ در حوزه سیاست، وقتی می‌گوییم «اسلام در خطر است» از ما می‌پذیرند. اما آقای دکتر فرمودند که: چه شده است که در عرصه اقتصاد ان بیوستگی بین فرهنگ و اقتصاد، سیاست، حوزه نظامی و انتظامی از بین رفته است؟ در حوزه ولی در اقتصاد ما نفهمیدیم. این مشکل، از نظر بنده، برمی‌گردد به یک گسست هویتی-تاریخی که یک خرده فرهنگ معارضی پیدا شده. اقتصاد صرفا با سودجویی و نفع شخصی مساوی کرده و بعد هم در آن رادایره اسلام خارج کرده است. برای همین وقتی من یک بار در آموزش و پرورش صحبتی داشتم در بحث تحول بنیادین مبنی بر اینکه باید یک ساخت اقتصادی حتما به ساخت های شگانه اضافه شود. یک بزرگوار آنجا گفت؛ می‌خواهی بچه‌های ما را مادی را بیابوری؟ گفتیم: نه، می‌خواهم بچه‌های ما، تعلیم و تربیت اقتصادی داشته باشند، مبتنی بر آنچه اسلام می‌گوید و ایران لازم دارد.

سال‌هاست که اقتصاد تبدیل شده به یک خرده فرهنگ معارض و نتیجه آن، این شده است که امروزه بین اقتصاد و سایر عرصه‌ها و ساحت‌های زندگی ما، ارتباط برقرار نکردیم و نمی‌کنیم، ما اقتصاد دانان که بدتر از مردم و اصناف و کسبه، اساسا کاری با تاریخ، با فرهنگ و بادی‌ن نداریم. جان استوارت میل، پدر لیبرالیسم است، می‌گوید کسی که جز اقتصاد نداند، اقتصاد راهم نمی‌داند.

این تکه‌اش توجه نکردیم که امروزه ما دانشکده‌های اقتصادی داریم اما اگر من این جمله را در مورد دین با کار بپریم که «ما اقتصاد دانیم، لطفا صحبت از

تاریخ نکنید، بهمان می‌چسبید.

بی‌هویتی تاریخی، معضل امروز جامعه ماست، وقتی یک متفکر غربی می‌خواهد بی‌هویتی تاریخی را با بحث‌های اقتصاد مقاومتی ارتباط بدهد، می‌گوید: امروز هر ملتی حافظه تاریخی‌اش پاک شود، آن ملت شکننده است. به نظر من، اقتصاد مقاومتی با انواع بحث‌هایی که اقتصاد دانان دنبال می‌کنند، از قبیل: پول و ارز، بانک، صادرات و واردات، تماما سرشاخه‌هایی از یک ریشه هستند. بخش عمده آن ریشه، در تاریخ و بی‌هویتی ماست. حافظه‌های تاریخی ما پاک شده، نه فقط دانشجوی من، بلکه خود

من هم امروز، حاج آقا نورالله و امثال این بزرگان و مثلا شرکت محمسی و شرکت اسلامیه را نمی‌شناسم و نشنیده‌ام. نه تنها روش شناسی تاریخی شبیه‌سازی آنها برای حل مسائل امروزی بلد نیستم، بلکه اساسا کارگاهی من را بار نیاورده که شبیه‌سازی‌های تاریخی به من یاد بدهد، درحالی که در غرب فراوان اتفاق می‌افتد.

ما باید از تاریخ الگوها، الگوریتم‌ها، استراتژی‌ها و راهبردها را بگیریم. اما الزاما انتقال تاریخی مصادیق، درست نیست. شما ببینید در شرکت اسلامی که الان مطرح شد، چه اتفاقی افتاد. نهادی در دنیا ساخته شده به اسم کمپانی. یک امر مستحده نه است و این کمپانی‌ها دقیقا ساخته شده‌اند برای استعمار مثلا کمپانی هند شرقی، ولی ما می‌بینیم علمای ما از کلمه کمپانی نمی‌هراسند، از کلمه شرکت نمی‌هراسند. به نظر من، به راحتی کمپانی را می‌گیرند، بیچ و مهره‌اش را باز می‌کنند، چیزی که دلشان می‌خواهد مانند مؤنث، همراهی، همیاری و همکاری بین انسان‌ها برای حل یک مسئله را در آن تزریق می‌کنند، دوباره جمع می‌کنند و می‌گویند ما هم در مقابل آن شرکت، شرکت داریم. کاری که ما امروزه نمی‌کنیم، گاهی وقت‌ها در الفاظ گیر می‌کنیم، خیلی فرمالیست شده‌ایم. یک عده‌ای می‌گویند: مثلا باید بانک را حذف کنیم، ولی سنت سلف ما این را نمی‌گوید. آنها ضمن اینکه در مورد محتواها و رویکردها حساس‌اند، مسئله حل می‌کنند، واقعیت‌ها را دنبال می‌کنند. دنبال بحث روزنامه‌ای و تئوریک نیستند. همه این بزرگوارانی که به عنوان سرمداران پیدای اسلامی نام برده شدند، به دنبال حل مسئله‌های واقعی‌اند. دنبال روشن فکرپازی و سخنرانی نیستند. به همین دلیل خودشان هم وارد مسئله‌های بسیار واقعی می‌شوند، همانطوری که فرمودند: نماز بر کفن اگر این گونه باشد نمی‌خوانند. ما در شبیه‌سازی‌های تاریخی باید مواظب باشیم، مثلا در مقوله نساجی، در تاریخ داریم که بزرگواران فرمودند که ایرانی باید منسوج ایرانی بیوشد. اینجا هم سندهایش موز رشد، من این را پای هوشمندی بسیار عمیق فقهایمان می‌گذارم. هرچند که از هنر عوام امروزه

مغالبا اینها از دنیا، تاریخ و سیر پیشرفت دور بوده‌اند. جنس آدم معمولی‌های غیر متشرع می‌گویند که این آخوندها اصلا تاریخ دورند. یکی از بزرگ‌ترین واقعیت‌ها و شواهدی که ما می‌توانیم هوشمندی این بزرگواران را نشان دهیم اینجایی است که پای منسوجات می‌ایستند.

شما می‌دانید پایه انقلاب صنعتی، کشاورزی بود و در انقلاب کشاورزی انگلستان پایه، بحث بنیه بود و انقلاب صنعتی با منسوجات شروع شده است. منسوجات، لوکوموتیو توسعه و رشد صنعتی شدن یک کشور بود.

اگر آن موقع صنعت منسوجات را در ایران جدی راه می‌انداختیم، مسیر امروزه‌مان

را داشتیم. ما هم به همان مسیر صنعتی شدن آنها می‌پیوستیم، البته قطعاً به شکل آنها نبود. آن جریان، جریان غیر انسانی بود چون هویت تمدنی که غرب دارد و هویت تمدنی که سعی می‌کند به ما بدهد، هویت‌فعال و امیال انسانی است نه هویت خود انسان. مسیر این دو از هم جداست. در مدرنیزاسیون و صنعتی شدن، خیلی انسان لگدکوب شد. اما در این بحث که امروزه مولدیت کجا می‌تواند جهش گونه‌افزایش پیدا کند، در آن زمان حوزه نساجی بود. این را علمای ما دریافته‌اند هم به این دلیل که می‌خواستند به طرف مقابل ضربه بزنند، گفتند نساجی‌اش را تحریم کن. چون اگر نساجی انگلستان تحریم می‌شد، بیچاره بود. اگر تاریخ‌آلمان را بخوانید خواهید دید که آلمان چگونه تا ۱۸۷۷، تا ناسیونالیزم اقتصادی‌اش شکل بگیرد، دیگر نساجی انگلستان و سایر محصولات انگلیسی شده بود و عملا مستعمره انگلیس بود.

در تاریخ ببینید که آمریکا چگونه قبل از جنگ‌های شمال و جنوبش در محصولات انگلیسی به ویژه منسوجات انگلیسی مستعمره انگلیس شده بود. متوقف کردن لوکوموتیو انگلستان به این بود که در منسوجات تحریم‌شد کنند. علمای ما این استراتژی را اتخاذ کردند. و دوم اینکه می‌خواستند لوکوموتیو ایرانی برای جهش راه بیندازند. هوشمندانه بهترین انتخاب را کرده بودند. ولی خب آن گونه که باید و شاید شکل نگرفت. حالا اما عدد و امانت داریم که بگوییم در آن تاریخ، همین تلاش بزرگواران چند درصد منسوجات ایرانی را درون زاکرد. اما الان بعد از گذشت بیش از ۲۰۰ سال من باید این را بدانم که منسوجات دیگر لوکوموتیو رشد اقتصادی و مولدیت اقتصادی نیست. امروزه به کشورهایی که در منسوجات متمرکز می‌شوند، می‌گوییم Banana Countries. حالا اما مصادیق نیابیم.

این یک نگرانی تاریخی است. امروزه موزر رشد و لوکوموتیو توسعه کشورها، اقتصاد دانش بنیان است نه اقتصاد نساجی. همانی که مقام معظم رهبری سرلوحه بحث اقتصاد مقاومتی دانسته‌اند. اما در حوزه اقتصاد مردمی، تمام مصادیق بزرگواران قابل انتقال و شبیه‌سازی تاریخی است. 📌

یکی از افتخارات حوزه‌های علمیه شیعه و عالمان پرورده شده در آن، ورود آنان به مباحث اجتماعی و سیاسی و فرهنگی جامعه است. اسلام و خصوصا تشیع؛ ورود عالمان به مسائل جامعه و همراهی و هدایت مردم در شرایط گوناگون را دستور داده است.

در طول حضور تشیع در بستر تاریخ، و هیران شیعه و جانشینان آنان دغدغه مردم و مشکلات آنان را داشته و دنیا را از آخرت جدا ندیده‌اند. به همین جهت ورود آنان را در جنگ و صلح و امر حکومت و سیاست و اقتصاد و تجارت و … به وضوح می‌توان دید. حمایت از مردم و محرومان، خصوصا فقرا، حوادث ایجاد شده توسط طبیعت یا حکومت‌های مستبد و متجاوز در پرورنده عالمان واقعی شیعه قابل مشاهده است.

این مختصر به دنبال معرفی وقف‌نامه و فعالیت‌های عام‌المنفعه شهید آیت‌الله حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی است.

با توجه به فعالیت‌های ایشان از دوران قاجار تا پهلوی و ارتباط نزدیک با مردم؛ همچنین با عنایت به حضور در انجمن ملی شهر اصفهان و آگاهی از نیازهایی که حکومت باید برای مردم فراهم کند. اقداماتی را در راستای اعتلای جامعه انجام داده‌اند که در دو بخش وقف‌نامه و امور عام‌المنفعه یادآور می‌شویم. با مراجعه به متن موجود؛ امور مورد توجه در وقف‌نامه ایشان حول چند مورد مهم و اساسی قابل بررسی است:

وقف برای تحصیل

در موقوفات حاج آقا نورالله نجفی اهمیت تحصیل به‌خصوص در مورد تحصیل علوم دینی و توجه به حوزه مشاهده می‌شود. ایشان متذکر است که این وقف برای کسانی است که در این راه یعنی تحصیل علم محض شده‌اند، وقف برای سادات؛

با عنایت به جایگاه سادات موارد متعدد سفارش به رسیدگی آنان چون تحصیل و ازدواج و توجه ویژه به خویشاوندان و همسایگان و همچنین مجاوران با طلب سادات در وقف‌نامه وجود دارد.

وقف برای مستمندان

در وقف‌نامه ایشان؛ نسبت به مستحقین از همه اقشار و به‌خصوص سادات از آنان توجه شده است. در چند مورد اشاره به حمایت از فقرا و دستگیری آنان در هر طبقه که هستند اعم از خویش و ناآشنا و تحت عنایتی چون کمک به مستمندان یا صله رحم و پرداخت هزینه زندگی و تحصیل قابل ذکر است.

وقف برای ازدواج

از امور مهم و مورد نیاز به توجه که در وقف‌نامه مورد دقت



محمد حسین اردبیلیان

قرار گرفته است امروز ادواج جوانان است. آماده کردن زمینه ازدواج و کمک به این امر خصوصا در مورد ازدواج مستمندان و ویژه سادات از آنها در وقف‌نامه مذکور در چند بخش مورد قرار گرفته شده است

وقف برای قرآن

توجه به این نکته که قرآن به عنوان آخرین کتاب الهی و معجزه پیامبر اسلام امانتی در دست ماست و نیاز به آموزش و نگهداری آن در جامعه اسلامی ضروری به نظر می‌رسد. در وقف‌نامه آیت الله حاج آقا نورالله نجفی هم اهتمام به کتاب الهی و قراءه قرآن و قرار دادن مستمری برای تعظیم این کتاب الهی دیده می‌شود.

وقف برای مراسم مذهبی و شعائر

واقف جهت تعظیم شعائر اسلامی و مذهب شیعه موارد زیادی را متذکر شده است. مواردی همچون برپا داشتن عزای اهل بیت به خصوص امام سوم شیعیان و غیر از آن مانند عزاداری حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها و نیز برگزاری مراسم اعیاد مذهبی مانند غدیر غدیر میلاد امام زمان علیه السلام و اطعام در این ایام؛ در این وقف‌نامه وجود دارد.

وقف برای خدمات عمومی

توجه به امور عام‌المنفعه و خدمت‌رسانی به عموم مردم از طریق کمک‌های مادی یا کارهایی از تعلیم یتیمان و فرزندان جامعه؛ نیز آموزش احکام و کسانی که به این امر واقف باشند، کمک به در راه ماندگان و خرید اقلامی چون پاپوش برای زائرین و کمک به آنان و پرداخت هزینه به مجاورین عنیت عالیات که زائرین را پذیرایی می‌کنند و کمک به فقرا، خصوصا اقوام و خویشان و همسایگان در وقف‌نامه آیت‌الله حاج آقا نورالله نجفی نمونه‌هایی از توجه علما به این امور است.

امور عام‌المنفعه

دیگر تلاش‌های آیت‌الله آقا نورالله نجفی در راستای خدمات عام‌المنفعه‌رامی‌توان در امور ذیل مشاهده کرد:

تاسیس مدرسه

آیت‌الله آقا نورالله نجفی در رساله مقیم و مسافر با اشاره به این مطلب که استبداد صلاح خود را در بی‌سوای مردم دانسته تا از حقوق خویش آگاه نباشند، می‌نویسد:

«باید در مملکت ترویج علم و معارف کرد، باید در تمام شهرها مدارس علمیه دایر کرد و مدارس ابتداییه و متوسطه و عالیه که تمام اطفال مردم را به تعلیم و تعلم گذارد که همه صاحب علم و ثروت شوند … و برای اطفال فقرا مدارس مجانی باز کنند که برونند آنجا تحصیل علوم نمایند … مستبد می‌گوید صلاح دولت استبداد این است که رعایا بی‌علم و سواد باشند و چیزی نفهمند و عارف به حقوق

نگاهی به امور عام‌المنفعه و وقف‌نامه حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی

وقف‌های مردمی؛ آثار ماندنی



خود نشوند. طبیب بی‌مروت خلق را نرجو می‌خواهد.» ایشان به جهت ارتقای سطح اندیشه مردم، اقدام به تاسیس مدارسی برای اطفال نمود نام‌هایی چون باقریه، حقایق، معرفت، ایمانیه، معارف و اتحاد اسامی مدارس مورد حمایت ایشان در آن زمان است. جهت اطفال ایام نیز مدرسه‌ای خاص تاسیس شد تا کسانی که در مضیقه مالی هستند از ادامه تحصیل باز نمانند.

تاسیس مریض‌خانه اسلامی

در زمان قاجار در اصفهان بیمارستانی از طرف دولت انگلستان در اصفهان به نام مریض‌خانه انگلیسی‌ها تاسیس شده بود که در آنجا تبلیغ مسیحیت بین بیماران مسلمان می‌کرد. این خطر که مسلمانان با این وصف و با توجه به نبود امکانات مناسب به سمت تغییر آیین بروند، دغدغه‌ای را جهت تاسیس بیمارستانی جهت مسلمانان این خطه در ذهن آیت‌الله نورالله نجفی ایجاد کرد. در متن روزنامه جهاد کبیره به مناسبت آیین افتتاح مریض‌خانه اسلامی می‌توان این را به خوبی مشاهده کرد:

«امروز مأمول چندین ساله من به حصول پیوسته که مسلمانان بیمار از قید استعلاج کفار رهایی یافته و مستخلص شده‌اند». این بیمارستان که به همت همراهی مومنین مخارج آن تأمین می‌شد برای فقرا رایگان بود تا نیاز به عنصر خارجی در ایران کمتر شود:

… و ابوالمحمد حسین میرزا که از روی پاک‌ی نیت و درستی عقیدت و فرط درایت، به فقر و ترفیه ضعفا و ترضی و قربا و تشقیه مرضی به ترتیبی شایسته و اسبابی بایسته، بی‌بضاعت و غربانی بی‌استطاعت را شفا داده، بدون غرض و غدا و بلا عوض دوامی دهند و جراحات دلشان را مرهم … شاید بعون الله مردم دیگر از شربت مرگ اجانب نخورند و بیماران داخلی‌ما از مسموم جان‌مان سالم بدر برند.»

تاسیس قرائت‌خانه

با توجه به اینکه بسیاری از مردم در آن زمان دارای سواد خواندن و نوشتن نبودند، مکانی در محله دروازه دولت اصفهان به جهت عموم مردم دایر گردید تا با مراجعه به آنجا از اخبار و رویداد های مملکت آگاه شوند. در این مکان با توجه به استخدام فردی باسواد که برای مردم روزنامه و مجله‌های آن زمان را می‌خواند به قرائت‌خانه معروف شد.

تأمین امنیت راه‌ها

با توجه به شرایط آن زمان و حصول ناامنی در مناطقی از اصفهان، تصمیم انجمن مقدس ملی اصفهان که در راستای کمک به حکومت مرکزی جهت نظم جامعه تاسیس شده بود بر این قرار گرفت تا از حکومت جهت حمایت از قوای نظامی در راستای امنیت کمک گرفته شود و کمبود آن را نیز خود ایشان متقبل شدند. 📌